**طب و اخلاق ۱؛ سلوک حکیمانه‏**

on: دی ۱۶, ۱۳۹۴در: [صفحه اصلی](http://bonyadhad.ir/category/home), [مقالات برگزیده](http://bonyadhad.ir/category/home/mags)[No Comments](http://bonyadhad.ir/2968#respond)

[Print](javascript:window.print())[Email](mailto:?subject=طب%20و%20اخلاق%20۱؛%20سلوک%20حکیمانه‏&body=طب%20و%20اخلاق%20۱؛%20سلوک%20حکیمانه‏%20http://bonyadhad.ir/2968)

محمد سلطانى‏

**عافیت و لذَت حیات‏**

**اشاره:**

انسان موجودى مرکب از جسم و روح است که از این بابت دو ساحتى خواهد شد. از یک بعد وابسته به جسم و عالم ماده و از بعد دیگر تعلق به روح و عالم معنا دارد از این جهت در مسیر تهذیب نفس توجه به هر دو بعد امرى لازم است که در این بین سلامت و عافیت جسم به عنوان مرکب روح بسیار چشمگیر مى‏ باشد بر همین اساس بر آن شدیم تا با استفاده از تعالیم قرآنى و روائى و همچنین حکمت حکیمان گذشته باب جدیدى را تحت عنوان سلوک حکیمانه توسط جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد سلطانى که خود از عالمان این عرصه است، در نشریه باز کنیم تا زمینه خوبى براى شناخت نفس که از ارکان سلوک است؛ باشد.

علم به یک لحاظ دو نوع است: یک نوع علومى است که به ماده و چگونگى ارتباط با آن مى ‏پردازد و نوع دیگر علوم مربوط به ماوراى ماده است. انسان داراى بدنى مادى و نیازها و خواسته‏ هاى مادى است و عالم ماوراى ماده هم ارتباطى تنگاتنگ با عالم ماده دارد و این دو عالم، از یکدیگر تأثیر مى‏پذیرند. از طرف دیگر، انسان، بخواهد یا نخواهد، در حال حرکت است و بخشى از این حرکت در متن امور مادى انسان قرار دارد. از این رو، خطا و انحراف در امور مادى باعث انحراف در عالم ماوراى مادى انسان مى ‏شود؛ چون همان‏طور که در قوس نزول از عالم ماوراى ماده به عالم ماده، بدن تحت تأثیر نفس است در قوس صعود از عالم ماده به عالم ماوراى ماده هم نفس انسان تحت تأثیر بدن اوست و خطا در احکام بدنى و اختلالات در آن باعث اختلال در نفس و روح انسان مى‏شود. پس انسان به دو علم نیاز دارد: علمى که هدایتگر انسان در امور مربوط به بدن اوست و علمى که هادى انسان در امور نفسانى است در روایت نبوى، از اولى به «علم الأبدان» و از دومى به «علم الأدیان» تعبیر شده: «العلم علمان علم الأدیان و علم الأبدان‏».[[۱]](http://bonyadhad.ir/2968" \l "_edn1)

بنابراین دانش طب در راه رسیدن انسان به مقصد والاى خلقت، نقش مهمى را ایفا مى‏ کند و بلکه از اکثر علوم بشرى برتر است؛ چون فلسفه علوم نشان دادن راه بهره‏ گیرى از مواهب حیات است و این هدف بدون صحت جسم و روح ممکن نیست. از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که: «بالعافیه توجد لذه الحیاه؛ به عافیت است که لذت حیات یافت مى‏ شود».[[۲]](http://bonyadhad.ir/2968" \l "_edn2)

به همین جهت، امام باقر علیه السلام فرموده: «واعلم أنّه لا علم کطلب السلامه و لا سلامه کسلامه القلب‏ ؛[[۳]](http://bonyadhad.ir/2968" \l "_edn3) بدان که هیچ علمى مثل طلب سلامت، و هیچ سلامت‏ی، مانند سلامت قلب نیست». از این روایت فهمیده مى‏شود علمى‏ که به سلامت آدمى مى‏پردازد، برتر از علوم دیگر، و علمى که سلامتى قلب را تأمین مى‏ کند، برتر از علم سلامت است. از اینجا جایگاه و اهمیت علم طبّ و نقش آن در اخلاق دانسته مى ‏شود؛ زیرا علم طبّ با شناخت بدن و احکام آن، به ما کمک مى‏کند تا به تأثیرگذارى متقابل جسم و روح پى ببریم و با معالجه امراض بدن، تهذیب و تزکیه روح و روان آسان‏تر گردد؛ اگرچه امور دیگرى هم در اخلاق مؤثرند و از ارکان اخلاق انسانى به شمار مى‏روند که در جاى خود باید بررسى شود شیخ بهایى در کشکول خود این روایت را از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل مى ‏فرماید: «قال علی علیه السلام حبر من أحبار الیهود: من اعتدلت طباعه صفی مزاجه و من صفی مزاجه قوی أثر النفس فیه و من قوی أثر النفس فیه سمی إلی ما یرتقیه و من سمی إلی ما یرتقیه تخلق بالأخلاق النفسانیه و من تخلق بالاخلاق النفسانیه فقد صار موجوداً بما هو انسان دون أن یکون موجوداً بما هو حیوان و دخل فی الباب الملکی و لیس له عن هذه الحاله مغیّر فقال الیهودی الله اکبر یابن أبیطالب لقد نطقت بالفلسفه جمیعها؛[[۴]](http://bonyadhad.ir/2968" \l "_edn4) هرگاه که اخلاط فردى معتدل شود، مزاجش صفا پیدا مى ‏کند و کسى که مزاجش صفا پیدا کرد، تأثیر نفس در او قوى مى ‏شود و کسى که تأثیر نفس در او قوى شد، به سوى چیزى که او را ارتقا مى ‏دهد، بالا مى ‏رود و هرگاه کسى به سوى آنچه او را ارتقا مى‏ دهد، رفت، به اخلاق نفسانى تخلق مى ‏یابد و کسى که به اخلاق نفسانى متخلق شد، وجودش انسانى مى ‏گردد و دیگر حیوانى نیست و داخل در باب ملائکه مى ‏شود و دیگر تغییر دهنده‏اى از این حالت براى او وجود ندارد». ما از این حدیث استفاده‏ هاى دیگرى نیز خواهیم کرد و درباره آن سخن خواهیم گفت، اما در اینجا به ذکر این نکته بسنده مى‏ کنیم که امور بدنى یکى از ارکان مؤثر در اصلاح اخلاق انسانى است؛ چون اعتدال طباع، همان اعتدال ارکان و اخلاط بدن است که ناشى از اعتدالِ امورى چون غذا، هوا، حوادث نفسانى و خون است. بى شک علمى که متصدّى بررسى اعتدال ارکان و اخلاط و اعتدال امور شش‏گانه ضرورى حیات و سلامت بدن است، علم طب است.

**آثار تربیتى و اخلاقى طبّ‏**

وقتى از علم طب سخن به میان مى ‏آید، فقط معالجه بیمارى‏ها به ذهن مى ‏آید؛ حال آنکه معالجه امراض یکى از ثمرات علم طب است و ثمرات متعدد دیگرى هم بر آن مترتب مى‏شود که همه آنها در رساندن انسان به هدف عالى خلقت دخالت دارند. ما در اینجا به بعضى از این ثمرات اشاره مى ‏کنیم و توضیح و تفصیل هر یک از این ثمرات، مجال دیگرى مى‏ طلبد.

1. **تربیت فرزند**

علم طب در تربیت فرزند که خود نیازمند تدوین علمى بر اساس آیات و روایات است، راهنمایى‏ هایى ریشه‏اى و مهمى دارد. تربیت فرزند از انتخاب همسر شروع مى ‏شود و مراحل چندگانه‏ اى را طى مى‏کند تا به پایان خود برسد و در تمام این مراحل یکى از علومى که راه درست را نشان مى ‏دهد، علم طب است. از باب نمونه، در انتخاب همسر که مرحله اول تربیت فرزند است، هم‏ کفو بودن همسر، شرط است و کفو بودن زوجین، برایند مجموعه‏اى از شرایط است که یکى از آنها کفوِ بدنى است و علم طب در شناخت مزاج بدنى همسر، زوجین را یارى مى‏ کند. هر بدن براى نزدیک شدن به اعتدال، نیازمند مجموعه شرایطى است؛ از جمله وفق بودن بدن همسر است؛ چون بدن همسر هم از زاویه مجاورت و مصاحبت تأثیرگذار است و هم از زاویه مباشرت؛ به نحوى که گاهى ترکیب بدن زوجین باعث نازایى مى‏ شود و این بحثى دامنه‏ دار است که نیاز به تحقیق بیشتر دارد. همه این مباحث، مربوط به پیش از ازدواج است، اما اگر انسان ازدواج کرده و در انتخاب همسر قواعد اولیه پیش از ازدواج در باب مزاج را رعایت نکرده باشد، آیا مى ‏توان مشکلات را جبران کرد؟ در اینجا نیز علم طب در بعضى از زوایا ما را راهنمایى مى‏ کند؛ گرچه در این باب راهنمایى‏ هاى طب کافى نیست و به علوم دیگر نیز نیازمندیم.

مرحله دوم تربیت، تولید نطفه صالح براى تعلق‏ گرفتن روحى صالح به آن است. در این مرحله نیز علم طب، مجموعه‏ اى از بایدها و نبایدها را در خوراک، خواب، پوشاک، افکار اخلاق و رفتار به حسب اختلاف اشخاص در مزاج و زمان و مکان پیشنهاد مى ‏کند.

مرحله سوم، انعقاد نطفه است. در این مرحله هم علم طب با بررسى مزاج بدنى زوجین، بایدها و نبایدهایى را براى زمان انعقاد و روان زوجین و رفتار و افکار آنها در حین مباشرت، ارائه مى‏ کند. به همین قیاس، در مراحل دیگر تربیت فرزند، طب نقش‏ آفرینى مى‏ کند. پس یکى از ثمرات مترتب بر علم طب، استخراج بعضى از اصول تربیت است.

ادامه دارد …

**پیوست‌ها:**

[[۱]](http://bonyadhad.ir/2968" \l "_ednref1).علل الشرایع، ج ۱، ص ۵۲۵.

[[۲]](http://bonyadhad.ir/2968" \l "_ednref2). غررالحکم، ح ۴۲۰۷.

[[۳]](http://bonyadhad.ir/2968" \l "_ednref3). تحف العقول، ص ۲۸۶.

[[۴]](http://bonyadhad.ir/2968" \l "_ednref4) . کشکول شیخ بهایى، ص ۵۹۴.